

«الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» و چهارمین سفر خامنه ای به قم؟!

بهرام رحمانی

bamdadpress@ownit.nu

اخیرا آخوند علی خامنه ای رهبر حکومت اسلامی ایران، به «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» تاکید کرده است. بحثی که قبلا تیم احمدی نژاد به پرچمداری اسفندیار رحیم مشایی، مطرح کرده بود و با انتقادات گسترده روحانیون حکومتی و سران قوه قضائیه و فرماندهان نظامی و انتظامی و سرداران سپاه و حتی با انتقاد شدید برخی از نمایندگان مجلس طرفدار دولت مواجه شده بود. این موضع تازه خامنه ای در رابطه با نظریه «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت»، آشکارا نشان می دهد که خامنه ای نظریات تیم احمدی نژاد - مشایی را پذیرفته و این شایعه را قوی تر می کند که خود خامنه ای نیز از رویارویی با این تیم واهمه دارد. بنابراین، خامنه ای نه تنها تئوری های تیم احمدی نژاد را می پذیرد، بلکه برای جا انداختن آن در درون جناح اصولگراها که اختلافات شان روزبروز عمیق تر می گردد گام های عملی نیز برمی دارد.

واقعیت این است که خامنه ای، دیگر آن اعتبار سابق «ولایت فقیه» را ندارد. او، حتی در ظاهر هم شده قادر به حفظ قدرت فراجانحی اش نیست و دچار بحران است. امروز بسیاری از روحانیون با نفوذ حکومتی و غیرحکومتی رهبری او را قبول ندارند. تیم احمدی نژاد و خامنه ای، با حمایت همدیگر و با سرکوب های شدید پلیسی - امنیتی قدرت خود را سر پا نگه داشته اند. در چنین روندی، مسافرت های پی در پی او به قم را می توان از موضع ضعف دید و از دو منظر کلی مورد بحث و بررسی قرار داد:

- تلاش برای کسب موقعیت از دست رفته و جلب حمایت روحانیون قدرتمند منتقد دولت؛
- تلاش برای جایگزینی رهبری حکومت اسلامی، پس از مرگ خامنه ای؛

بعلاوه او در تلاش است پسرش را جایگزین خود نماید. حکومت پهلوی به خانواده هزار فامیل معروف بود. یعنی شاه تلاش می کرد پست های مهم و حساس کشور را در اختیار خویشان و نزدیکان خود قرار دهد تا کنترل بیش تری بر تحولات جامعه داشته باشد. اکنون نیز حکومت اسلامی، به هزار فامیل معروف است. در واقع این حکومت اسلامی نیز حریص تر از حکومت پهلوی، اعضای خانواده و نزدیکان خود را در پست های حساس کشور قرار داده و هم چنین بسیاری از صنایع و کارخانه ها و شرکت ها را به آن ها واگذار کرده است. از این رو، بسیاری از ائتلاف ها و یارگیری های موجود و جناح بندی های سیاسی، مبتنی بر روابط و مناسبات آشنایی و خویشاوندی است. جناح های درونی حکومت اسلامی و فراقسیون های مجلس، روسای قوه قضائیه، مقننه، مجریه و بسیاری از مسئولین کشوری و لشکری آن، براساس روابط و مناسبات خویشاوندی و دوستی تعیین می شوند. برای مثال، حجت الاسلام سیدمسعود خامنه ای فرزند خامنه ای، داماد آیت الله سیدمحمدباقر خرازی (از طیف موسوم به اصولگرا، دبیرکل حزب الله ایران، از مدرسین حوزه علمیه قم و شوهر خواهر سیدصادق خرازی معاون وزیر امور خارجه دولت خاتمی) است.

حجت الاسلام سیدمصطفی خامنه ای، فرزند خامنه ای، داماد «عزیز خوشوقت» از طیف موسوم به اصولگرا است.

محمدحسین خوشوقت (مدیرکل رسانه ها و مطبوعات خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی خاتمی و مدیر مسئول کنونی سایت فرارو)، فرزند عزیز خوشوقت و برادر زن مصطفی خامنه ای (فرزند مقام رهبری) است. حجت الاسلام محمدی گلپایگانی (رییس دفتر مقام رهبری)، پدر شوهر خانم بشری خامنه ای دختر مقام رهبری است.

حجت الاسلام شیخ علی تهرانی، همسر خانم سید بدریه خامنه ای (خواهر مقام رهبری) است. سیدحسین خامنه ای (رییس بازرسی وزارت نفت در دوران هاشمی، خاتمی و احمدی نژاد)، برادر مقام رهبری و هادی خامنه ای (نماینده مجلس ششم، از طیف موسوم به اصلاح طلب و صاحب امتیاز روزنامه حیات نو). حسن خجسته باقرزاده برادر زن مقام رهبری، معاون سابق سازمان صدا و سیما در امور صدا، نایب رییس اتحادیه رادیو تلویزیون های آسیا و اقیانوسیه (ABU) در سال ۲۰۰۷ و معاون نظارت و برنامه ریزی صدا و سیما. غلامعلی حدادعادل (از طیف موسوم به اصولگرا، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، عضو فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی، رییس مجلس هفتم، رییس کمیسیون فرهنگی مجلس هشتم و مشاور مقام رهبری) پدر زن مجتبی خامنه ای فرزند علی خامنه ای.

حجت الاسلام هادی خامنه ای از طیف موسوم به اصلاح طلب عضو مجمع روحانیون مبارز برادر مقام رهبری، مریم خاتمی خواهر سیدمحمد خاتمی و همسر محمدعلی صدوقی امام جمعه و نماینده مقام رهبری در استان یزد.

حجت الاسلام محمدعلی صدوقی (نماینده ولی فقیه و امام جمعه یزد و معاون حقوقی و پارلمانی رییس جمهور در دوره محمد خاتمی).

رزند آیت الله صدوقی، شوهر بی بی مریم خاتمی (خواهر محمد خاتمی رییس جمهور سابق ایران) و پدر زن محمد هاشمیان (خواهر زاده رفسنجانی).

حجت الاسلام حسین هاشمیان امام جمعه سابق رفسنجان، پسر عمو و شوهر خواهر اکبر هاشمی رفسنجانی و پدر داماد حجت الاسلام محمد صدوقی (شوهر خواهر محمد خاتمی).

محمد هاشمیان، امام جمعه کنونی رفسنجان و نماینده رفسنجان در مجلس هشتم و رییس فراکسیون اقلیت، فرزند حسین هاشمیان، خواهر زاده هاشمی رفسنجانی، داماد محمد صدوقی (امام جمعه یزد و شوهر خواهر محمد خاتمی) و شوهر خواهر زاده محمد خاتمی.

علی هاشمی (از طیف موسوم به اصلاح طلب، نماینده رفسنجان در مجلس ششم و مدیرعامل سابق شرکت پسته کرمان) برادر زاده حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی.

محمد هاشمی (از طیف موسوم به اصلاح طلب، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران، رییس سابق صدا و سیما و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام) برادر اکبر هاشمی رفسنجانی.

حسین مرعشی (از طیف موسوم به اصلاح طلب، سخن گوی حزب کارگزاران رییس دفتر رییس جمهور و استاندار کرمان در دوران ریاست جمهوری هاشمی، نماینده مجلس ششم و رییس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری در دوران خاتمی (برادر عفت مرعشی (همسر حجت الاسلام اکبر هاشمی رفسنجانی) و دانی فائزه، فاطمه، یاسر، محسن و مهدی هاشمی رفسنجانی...

می توان هم چنان به این لیست ادامه داد اما همین حد نیز به سادگی نشان می دهد که قدرت در ایران بین هزار فامیل روحانیون طراز اول حکومتی تقسیم شده است.

در چنین شرایطی، احتمالاً یکی از اهداف مهم سفرهای پی در پی خامنه ای به قم، در راستای زمینه سازی برای جانشین و یا جانشینانی برای دوره پس از خود خامنه ای است.

«الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت»

خبرگزاری حکومتی فارس، در رابطه با موضع جدید خامنه ای، مبنی بر «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت»، نوشت:

«حضرت آیت الله خامنه ای با تاکید بر ضرورت به کارگیری همه ظرفیت نخبگان کشور در تدوین این الگوی راهبردی، «فکر، علم، زندگی و معنویت» را عرصه های مهم الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت خواندند و تاکید کردند: این الگو، سندی بالادستی برای همه اسناد برنامه ای و چشم اندازی کشور خواهد بود.»

به گزارش خبرگزاری فارس، به نقل از پایگاه اطلاع رسانی «دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری» در نخستین نشست «اندیشه های راهبردی» در جمهوری اسلامی ایران، «رهبر معظم انقلاب اسلامی و ده ها نفر از اندیشمندان، استادان و صاحب نظران دانشگاهی و حوزوی»، به هم اندیشی و بررسی «مبانی، ویژگی ها و ابعاد الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» پرداختند.

در ابتدای این نشست که بیش از ۲ ساعت به طول انجامید، «۱۴ نفر از متفکران و صاحب نظران حدود ۳ ساعت و نیم، ضمن تضارب آرا، دیدگاه های متنوع و مختلف خود را در زمینه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بیان کردند.»

بنا به همین گزارش، در ادامه این نشست خامنه ای، تاکید کردند: «این الگو، سندی بالادستی برای همه اسناد برنامه ای و چشم اندازی کشور خواهد بود.»

خامنه ای افزود: «تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت جز در يك فرآیند بلندمدت و در حالت خوش بینانه، میان مدت، امکان پذیر نیست، ضمن آن که سرعت معقول نیز باید وجود داشته باشد... در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، هدف ها مشخص می شود اما راهبردها ممکن است به تناسب شرایط زمان دچار تغییر و اصلاح شوند که این مساله، نشان دهنده انعطاف پذیری الگو است... استفاده از دو مفهوم «اسلامی و ایرانی»، به هیچ وجه به معنای استفاده نکردن از دستاوردهای دیگران و تجارب صحیح آنان نیست و ما در این راه، با چشمان باز و انتخاب گر، از هر علم و معرفت درست استفاده می کنیم.»

خامنه ای، با اشاره به لزوم مطرح شدن و پاسخ گویی به همه سؤالات در باب الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت افزود: «يك سؤال این است که چرا این مقطع زمانی برای تدوین این الگو انتخاب شده است.» او، در پاسخ این سؤال خاطر نشان کرد: «تجربه های متراکم و معرفت های انباشته شده در سی سال گذشته نشان می دهد که مقطع فعلی، زمان مناسبی برای آغاز این راه است.»

خامنه ای از سوی امام زمان شان نیز وعده داد که، «زندگی بشر در دوران ظهور امام عصر (عج) را، نمونه کامل زندگی انسانی خواندند و خاطر نشان کرد: بشر با تاریخ چند هزار ساله خود، هم چنان در پیچ و خم های زندگی به سر می برد و در زمان ظهور حضرت حجت، به بزرگ راه پیشرفت حقیقی می رسد که البته باید به طور مستمر در این زمینه تلاش کرد.»

در ادامه نشست «اندیشه های راهبردی»، پرویز داوودی رییس مرکز استراتژیک ریاست جمهوری گزارشی از اقدامات انجام شده در دولت های نهم و دهم احمدی نژاد برای تدوین «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» بیان کرد. او، با اشاره به تدوین «منشور جمهوری اسلامی، در خصوص مبانی و ساختارهای کلان»، گفت: «اکنون نیز گروهی از فضلاء سطح عالی حوزه و اساتید و محققان دانشگاهی، تدوین بیست و دو طرح را برای تعیین شاخص ها در دو بخش پیشرفت اقتصادی و پیشرفت سیاسی آغاز کرده اند.» در این جا روشن می شود که دولت نهم و دهم احمدی نژاد و تئوریسین آن اسفندیار رحیم مشایبی، طرح «ایرانیت و اسلامیت» را سال هاست مطرح کرده اند و اکنون به رهبر نیز تحمیل کرده اند. در حالی که قبل از رهبر، رحیم مشایبی به دلیل طرح این مساله، با خشم بسیاری از فرماندهان سپاه و بسیج و مقامات دیگر حکومت مواجه شده بود که اکنون رهبر با این نشست به فکر کشیدن افسار منتقدین دولت احمدی نژاد در درون جناح حاکم اصولگرایان است.

بنابراین، خامنه ای از مردم خواست به هر سرکوب و فشار پلیسی و اقتصادی و اجتماعی حکومت نمایندگان خدا و امام زمان و امروز که در غیاب امام زمان خودش امامت را به عهده دارد، تن دهند و صدایشان در نیاید تا «انشاءالله» پس از ظهور امام زمان، همه چیز درست خواهد شد؟! در واقع در این سه دهه خمینی و سیدعلی خامنه ای، هم خدا و هم پیغمبر و هم امام زمان ایران بودند و در راس حکومتی که خون های زیادی ریخته است

هنوز سیر نشده اند و هم چنان مانند هیولایی به قربانیان زیادی نیاز دارند. این سیرت و طبیعت همه قدرت مداران آدم کش، تروریست و دیکتاتورهای جهان است.

شعبان بی مخ های خامنه ای و حکومت جهل و جنایت شان همواره مردم را تهدید می کنند و خط و نشان می کشند که هیچ کس، حتی حق کوچک ترین نقد رهبر را نیز ندارند؟ برای مثال، داوود احمدی نژاد دبیرکل پدافند غیرعامل حکومت، گفته است: «... نقد کردن خلیفه و پیامبر خدا جایز نیست، کسی جز خداوند حق نقد کردن پیامبر و خلیفه خدا را ندارد و اگر کسانی امروز به دنبال نقد کردن هستند، می خواهند تشتت ایجاد کنند... امروز ولی فقیه، خلیفه خداست و هر کسی با اوست ما نیز با او هستیم و هر کسی که با رهبری نباشد، از ما نیست.»

این سرباز جان نثار رهبر، تاکید می کند: «تجمع حول محور رهبری از ساختن مدرسه و بیمارستان و خانه واجب تر و بالاتر است.»

رحیم مشایبی، رییس دفتر رییس جمهوری با ده شغل و پست دیگری، اولین نفری بود که نظر جنجال برانگیزی مبنی بر این که «از مکتب اسلام دریافت های متنوعی وجود دارد، اما دریافت ما از حقیقت ایران و حقیقت اسلام مکتب ایران است و ما باید از این به بعد مکتب ایران را به دنیا معرفی کنیم» ارائه شد که مخالفت های متعددی را با خود به همراه داشته است.

تعدادی این سخنان را انحراف آشکار دانستند و تعدادی آن را در راستای يك گمان جاسوسی مطرح کرده و تلویحا مفقود شدن چند ساعته ایشان در نیویورک را مشکوک جلوه دادند. عده ای نظر مشایبی را همان نظر «ملی گرایی و حمل تفکرات نهضت آزادی» دانستند.

پس از برگزاری «دومین همایش بزرگ ایرانیان خارج کشور» در تهران، که نماینده رهبر نیز وارد میدان شد تا به کشمکش ها و موضع گیری های انتقادی برخی از اصول گرایان در برابر اسفندیار رحیم مشایبی و دولت آتش بس دهد.

هدف همایش تهران، جذب عده ای از متخصصان و تجار و سرمایه داران ایرانی مقیم خارج کشور بود که ۱۲۰۰ نفر با صرف هزینه های کلان و رشوه و وعده پست و مقام به این نشست کشانده شده بودند. این نمایش کشمکش جدیدی را بین سران و مقامات جناح حاکم اصول گرایان به وجود آورد. رییس ستاد کل نیروهای مسلح حکومت اسلامی، این بالاترین مقام نظامی - امنیتی حکومت، اسفندیار رحیم مشایبی را «مجرم علیه امنیت ملی» معرفی کرد. بنا به نوشته خیرگزاری حکومتی فارس، سیدحسن فیروزآبادی رییس ستاد کل نیروهای مسلح در یک سخن رانی در «دانشکده امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی» درباره سخنان مشایبی در همایش ایرانیان خارج کشور، گفته است: «وقتی فردی می آید در آن جایگاه می گوید مکتب ایرانی، یعنی کشورهای اسلامی، حساب ما از شما جداست، کشورهای عربی حساب ما از شما جداست این در جهت تجزیه جهان اسلام است این حرف ها در جهت خنثی کردن خون های شهدا و زحمت هایی است که امام و رهبری عزیز انقلاب برای اتحاد جهان اسلام کشیده اند.» وی ادامه داده است: «این حرف های کوچکی نیست، نمی دانم چطوری کسی جرات می کند و به خود این اختیار را دهد در حالی که هیچ حکم و حق قانونی ندارد این حرف ها را بزند، این ها جرم است. ورود تئوریسین ها و نظریه پردازان جنگ نرم و جاسوسان سیا به کشور را چه کسی اجازه داده است؟ وزارت اطلاعات، نیروی انتظامی باید پاسخ گو باشند و قوه قضائیه بایستی رسیدگی کند. چرا قوه قضائیه به این جرایم رسیدگی نمی کند، این ها جرایم امنیت ملی هستند، این اظهارات ارکان نظام را مورد هدف قرار می دهند، وقتی کسی مکتب ایرانی را در نفی و کنار گذاشتن مکتب اسلام ناب محمدی، اراده می کند و ایران را در مقابل جمهوری اسلامی ایران بیان می کند مگر جز ادامه راه فتنه گران است؟»

حمید رسایی، از نمایندگان مجلس که به دلیل حمایت هایش از احمدی نژاد به «وکیل الدوله» شهرت یافته نیز ضمن سخنانی در جمع بسیجیان، از در راه بودن «فتنه جدید» به سرکردگی مشایبی خبر داده است. به گزارش رجا نیوز، رسایی گفته است: «بر اساس قواعدی که تا به امروز حاکم بوده، انقلاب اسلامی باز هم با فتنه های دیگری مواجه می شود و شاید تا ۱۰ سال آینده فتنه بعدی خود را نشان دهد. قطعا فتنه آینده در برابر ولایت و مورد حمایت جریان رسانه ای استکبار خواهد بود. متأسفانه برخی موضع گیری ها و اظهارات مانند مکتب ایران در برابر مکتب اسلام سبب شده تا رسانه های استکباری از گوینده آن استقبال کنند و این حکایت از انحراف معتقدان به این جریان است و نیروهای انقلاب به ویژه رییس جمهور باید هم چون دیگر موارد با موضع انقلابی تکلیف این جریان را معلوم کند.»

در برابر این حملات، اسفندیار رحیم مشایبی، دست به حمله متقابل زد. او، به سخنان مصباح یزدی، شریعتمداری، فیروزآبادی و دیگر منتقدان خود واکنش نشان داد و آنان را «باند های ثروت و قدرت» نامید. از سخنان مصباح که وی را «یک فعال دینی با برخورد سطحی» دانسته بود، ابراز «تأسف» کرد و خبر داد که از فیروز آبادی شکایت می کند. بنا به نوشته جوان آنلاین، وی درباره فیروز آبادی در «جمع مدیران و سردبیران ایرنا»، گفته است: «به خاطر اتهاماتی که از سوی این شخص به من وارده شده محق هستم از مسیر قضایی موضوع را پیگیری کنم و این کار را برای تنویر افکار عمومی انجام خواهم داد.»

بنا به نوشته فارس، مشایبی هم چنین در دیدار با «برخی دانش جویان» در واکنش به دیگر منتقدان خود چنین گفته است: «تخریب بنده از سوی بعضی باندهای قدرت - ثروت و عناصر عوام فریب جای تعجب ندارد، اما برخورد سطحی، چکشی و غیرعادلانه از سوی برخی اندیشمندان و فعالان حوزه دین با مباحث مطرح شده موجب تأسف است و باعث نهادینه شدن يك رفتار غلط در سطح عموم جامعه می شود. این منطق که يك مسئول اجرایی، حرف نزند و دیدگاه هایش را مطرح نکند، از کدام آموزه دینی و فقهی استخراج و استنتاج شده است؛ برخلاف بعضی ها حرف های بنده نه فقط تئوری پردازی نیست، بلکه بیان بسیاری از رفتارهای جاری است که بنده فقط در مقام تبیین یا تصحیح آن ها سخن می گویم.»

رحیم مشایی، در خبرگزاری دولتی ایرنا، شدیداً به «عالی ترین فرمانده نظامی حکومت» حمله کرده و خطاب به سرلشگر فیروزآبادی، گفته است: «حرف های فیروزآبادی غیرمستولانه و جاهلانه است. چه کسی باید ثابت کند که چه کسی عامل ابر سرمایه داری است؟ تو نمی فهمی که در این شرایط سیاسی بین المللی ما باید تلاش کنیم زمینه های حضور نخبگان ایرانی خارج از کشور را در ایران فراهم کنیم. آقای عضو شورای امنیت ملی! تو چرا نمی فهمی؟! حالا تو را هم باید توجیه کنم؟! مشایی ادامه داده که: «سند ندارم که بگویم فیروزآبادی از جنس گروه شیطان است اما فیروزآبادی سراسر جهالت است.» او، خطاب به برخی از نمایندگان اصول گرای منتقد نیز گفت: «اگر احمدی نژاد نبود چه کسی به شما رای می داد که اکنون بنشینید و چنین سخنانی را علیه بنده بر زبان جاری کنید.»

سرانجام با ادامه حملات تند بخشی از نیروهای طرفداران دولت به رحیم مشایی، سعیدی نماینده خامنه ای در سپاه احمدی نژاد و رحیم مشایی را «دو بزرگوار» خطاب کرد و خواست که «ادبیات» خود را به نحوی اصلاح کنند که موجب تشدید اختلاف نشود. مشروح سخنان سعیدی که در خبرگزاری فارس، انتشار یافته، از جمله گفته است: «باید از سخنانی که موجب سوء استفاده دشمن می شود پرهیز کرد. خبرگزاری فارس، نوشت: «نماینده ولی فقیه در سپاه با بیان این که امروز کشور ما در خط مقدم جبهه مبارزه با استکبار قرار دارد، تاکید کرد: باید در ادبیات و سخنان مان دقت کنیم که خدای ناکرده دشمن سوء استفاده نکند.»

او، در ادامه سخنان خود، به نوعی نیز خامنه ای را به داشتن قدرت «وحی» و ارتباط با «علوم فوق بشری»، بالا برده و با تاکید بر این که «پیامبر هم قدرت وحی دارد و هم ارتباط با علوم فوق بشری، که بتواند پاسخ نیازهای بشر را ارائه کند»، تصریح کرد: «امام باید بتواند به علوم فوق بشری دست پیدا کند. در عصر غیبت مدیریت برتر و مصونیت حداکثری را کافی می دانیم از جهت مبانی و اصول که همان فقیه جامع الشرایط است که با اشراف بر قرآن و سنت و عدالت واقعی می تواند مدیریت جامعه و اداره امور بشر را بر عهده گیرد.»

احمدی نژاد نیز در حاشیه جلسه هیات دولت در جمع خبرنگاران به دفاع تمام عیار از مشایی پرداخته و گفته بود: «يك حساسیت روی آقای مشایی ایجاد کردند که این حساسیت عادی نیست. غیرعادی است. هر مطلبی که گفته می شود قسمتی از این مطلب را می زنند و روی آن مطلب شروع به تبلیغات می کنند و هرچه آقای مشایی در آن مورد توضیح می دهد می گویند قبول نداریم. این روش ها درست نیست. آقای مشایی رییس دفتر رییس جمهور است و من به ایشان اعتماد کامل دارم. ایشان مومن به اصول جمهوری اسلامی ایران و اندیشه های انقلاب هستند. مومن به خط ولایت و انسانی پاك هستند. ایشان نظر می دهند، دیگران نیز نظرات شان را مطرح کنند. دعوایی نیست. اگر نظرات ایشان را قبول ندارید عالمانه نقد کنید. نباید فضا را صفر و صد کنید یا کفر و ایمان کنید.»

سرانجام رهبر خودش نیز وارد میدان شد و بحث «مکتب ایرانیت» و «اسلامیت» را به عنوان سیاست های رابردی حکومت، مورد تایید قرار داد.

با وجود این که هرچند وقت یک بار اسفندیار رحیم مشایی، یار نزدیک محمود احمدی نژاد با اظهاراتی از مکتب ایرانی و تعریف و تمجید می کند و چاپلوسانه از کوروش تعریف می کند با انتقادهایی روبرو می شود. اکنون با موضع گیری اخیر رهبر و تایید مواضع مشایی، این مساله در جامعه قوت بیش تری پیدا می کند که او به عنوان رییس جمهوری دوره آینده، در نظر گرفته شده است.

اخیراً در غرفه سایت همت آنلاین در نمایشگاه هفدهم مطبوعات، به طور دائم فیلم های سخن رانی رحیم مشایی پخش می شد و سی دی آن با قیمت پایین در اختیار بازدیدکنندگان قرار می گرفت. پسر بزرگ احمدی نژاد با فرزند مشایی ازدواج کرده است و گفته می شود احمدی نژاد، به رحیم مشایی و مواضع او سمپاتی زیادی دارد.

در این که روی آوری سران حکومت اسلامی به «مکتب اسلام و مکتب ایران»، اقدامی در جهت جلب حمایت ناسیونالیسم ایرانی است، شکی نیست. اما سوال این است که چرا این طرح در این دوره مطرح می شود؟ بنظرم تحریم های اقتصادی و فشارهای بین المللی و بحران های سیاسی و اقتصادی فراینده در جامعه ایران، سران حاکم حکومت اسلامی را وادار کرده است برای تخفیف بحران هایشان به ناسیونالیسم ایرانی روی بیاورند تا بلکه از یک سو، سرمایه تعدادی از سرمایه داران و متخصصان خارج کشور را جذب کند و از سوی دیگر، در سطح بین المللی برای بقای حکومت شان یارگیری کنند.

اما پیشرفت بیش از این مشایی، چندان ساده نخواهد بود. روحانیون سرشناس و با نفوذ حکومتی چون جوادی آملی، استادی، آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی، آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، آیت الله مصباح یزدی، آیت الله یزدی، آیت الله خاتمی و ... همه منتقد رحیم مشایی هستند.

سفرهای مکرر خامنه ای به قم

خامنه ای باز هم به قم رفت. او، بیش از این نیز به فاصله کوتاهی سه سفر پی در پی در پی به این شهر داشت که یکی از ها به مدت ۱۰ روز در اواخر مهر ماه سال جاری بود.

به گزارش خبرگزاری های حکومتی، خامنه ای در این سفرهای سعی کرده است که از روحانیون دل جویی کند و آن ها به حمایت از خود و دولت احمدی نژاد بکشانند.

آیت الله خامنه ای، از ۲۷ مهر ماه سال جاری به مدت ده روز به قم سفر کرد و برخی از مراجع و روحانیون ارشد نیز با او دیدار کردند. پس از این سفر، خامنه ای دو سفر غیررسمی دیگری نیز به قم داشت.

خامنه ای، در سفر دوم خود به قم با آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله نوری همدانی و آیت الله جعفر سبحانی دیدار و گفتگو کرد. او هم چنین در سومین سفرش با آیت الله موسی شبیری زنجانی و آیت الله عبدالله جوادی آملی، از مراجع تقلید شیعه در قم، دیدار و گفتگو کرده است.

سفر خامنه ای به قم می تواند دلایل مختلفی داشته باشد. از جمله در مضحکه و تقلب انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته، شکاف بزرگی بر پیکر حاکمیت وارد شد و به خصوص مردم فرصت را غنیمت شمردند و به خیابان ها ریختند و با به آتش کشیدن تصاویر خمینی و خامنه ای و شعار علیه سران حکومت در مقابل تعرض و یروش نیروهای سرکوبگر تا دندان مسلح حکومتی ایستادند؛ به ویژه جوانان دختر و پسر جان فشانی ها و شهادت های فوق العاده ای از خود نشان دادند و با مبارزه و گزارش و مقاله و فیلم و تصاویری که به جهان مخابره می کردند کلیت حکومت اسلامی را در نزد افکار عمومی مردم ایران و جهان رسوا کردند. بنابراین، یک دلیل سفرهای خامنه ای به قم می تواند در راستای ترمیم شکافی باشد که در میان روحانیون طراز اول حکومت به وجود آمده است.

در پی برنده اعلام شدن محمود احمدی نژاد در انتخابات ریاست جمهوری و سرکوب گسترده اعتراضات به نتیجه انتخابات، برخی از مراجع تقلید به جانب داری خامنه ای از احمدی نژاد و نقش مستقیم او در تقلب انتخابات به نفع احمدی نژاد، رسماً و علناً اعتراض کردند و برخی دیگر نیز راه سکوت را در پیش گرفتند. برای مثال، آیت الله سیدعلی محمد دستغیب، از مراجع منتقد و هم چنین عضو مجلس خبرگان رهبری، نیز در شهریور ماه سال جاری در نامه ای از اعضای مجلس خبرگان رهبری خواسته بود که وظیفه خود را درباره اجرای قانون اساسی و نظارت بر رهبر جمهوری اسلامی پیگیری کنند. براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجلس خبرگان رهبری در صورتی که رهبر جمهوری اسلامی یکی از شرایط خود را از دست بدهد، می تواند وی را از کار برکنار کند.

آیت الله سید علی محمد دستغیب، هم چنین پس از حوادث انتخابات ریاست جمهوری از مجلس خبرگان خواسته بود که برای رسیدگی به شکایت و اعتراضات مردم تشکیل جلسه بدهد. براساس گزارشات، در جریان سفر مهر ماه خامنه ای به قم، برخی از مراجع سنتی قم و نیز مراجع تقلید نزدیک به جناح اصلاح طلبان به دیدار آیت الله خامنه ای نرفتند. در این میان می توان از آیت الله وحید خراسانی، آیت الله موسوی اردبیلی و آیت الله صانعی یاد کرد.

پایگاه های خبری «خبر آنلاین» و «رجانیوز» در گزارش های مشابهی خبر داده اند که آیت الله خامنه ای یک هفته پس از پایان سفر ده روزه خود به قم، برای دیدار با چند مرجع تقلید، بار دیگر به این شهر سفر کرد. وی در سفر دوم خود به قم با آیت الله مکارم شیرازی، نوری همدانی و جعفر سبحانی، سه مرجع تقلید نزدیک به محافظه کاران، دیدار کرد.

در سفر ده روزه رهبر جمهوری اسلامی به قم، از میان ۲۰ مرجع تقلید صاحب رساله ساکن این شهر، ۱۲ نفر به ملاقات آیت الله خامنه ای رفتند و هشت تن دیگر حاضر به دیدار با رهبر جمهوری اسلامی ایران نشدند. این مساله شکست بزرگی برای موقعیت متزلزل خامنه ای به حساب می آید.

در برخی از گزارش ها آمده است که در آن سفر درخواست آیت الله شبیری زنجانی از خامنه ای آزادی علی شکوری راد، از جناح اصلاح طلب است که در بازداشت به سر می برد. پس از این دیدار بلافاصله این عضو ارشد حزب مشارکت ایران اسلامی از زندان آزاد شد.

دیدار نکردن آیت الله وحید خراسانی با خامنه ای، خبرسازتر از همه شد. چرا که او از مراجع تقلید طراز اول جامعه دینی سنتی ایران است و علاوه بر آن با صادق لاریجانی، رییس کنونی دستگاه قضایی ایران که منصوب آیت الله خامنه ای است، نیز پیوند سببی دارد.

هم چنین آیت الله موسوی اردبیلی و آیت الله صانعی گرچه هر دو از مراجع نزدیک به اصلاح طلبان به شمار می آیند اما به لحاظ نقشی که در دوران شکل گیری و تثبیت حکومت اسلامی داشتند، تا پایان دوره ریاست جمهوری آیت الله خامنه ای همکاری نزدیکی با او داشتند.

هدف دوم سفرهای مکرر خامنه ای به قم، احتمالاً در رابطه با جانشینی ایشان است. در بین مردم این شایعه بسیار قوت دارد که مجتبی فرزند خامنه ای قرار است جانشین وی شود و خامنه ای به قم رفته برای این که رهبری او را در میان طلاب و مراجع قم جا بیاورد.

هدف دیگر او می تواند به وضعیت اقتصادی و سیاسی کشور مربوط باشد. حکومت اسلامی، هم اکنون در بحران های فزاینده اقتصادی، سیاسی و حتی در انزوای دیپلماتیک به سر می برد. دوستان دیروزی این حکومت، چون روسیه امروز فاصله زیادی از حکومت اسلامی گرفته و حتی قراردادهای منعقد شده قبلی را نیز اجرا نمی کند. برای مثال، قرارداد تحویل موشک های ضدهوایی پیشرفته برای حفاظت نیروگاه هایش با حکومت اسلامی چند سال پیش بسته شده است اما روسیه از تحویل آن ها سر باز می زند. دولت روسیه، خیالش راحت است که هیچ مرجعی در جهان به شکایت حکومت اسلامی، در مورد این قرارداد گوش نمی دهد تا چه برسد به بررسی آن. چون که احمدی نژاد بارهای گفته است ما از روسیه به جوامع بین المللی شکایت خواهیم کرد.

بنا بر گزارشات برخی سایت های منتقد دولت، «بیت رهبری» با نظر مثبت خامنه ای و با محوریت مجتبی خامنه ای چند ماه قبل از آغاز سفرهای خامنه ای به قم، با تشکیل کار گروهی با حضور سردار فیروزآبادی، سردار جعفری، سردار نقدی، سردار احمدی مقدم، مجتبی ذوالنور، حسین طائب، ضرغامی، سردار مصطفی محمدنجات، حسین شریعتمداری، محسنی اژه ای، آیت الله مقتدایی، شیخ محمد یزدی، سیداحمد خاتمی، علی اصغر حجازی، علی لاریجانی، محمدی گلپایگانی، احمد جنتی، آیت الله مومن، حیدر مصلحی، سلیمی (رییس دادگاه ویژه روحانیت) و حداد عادل به بررسی و برنامه ریزی گسترده برای سفری «باشکوه و در شان و جایگاه خامنه ای» به عنوان «خلیفه مسلمین و عالی رتبه ترین و اعلم مراجع تقلید شیعیان جهان» به قم، تدارک بزرگی دیده بودند.

در این گزارشات هم چنین آمده است که در ابتدا برنامه ریزی برای سفری بسیار مفصل و اقامتی بین ۲۵ تا ۳۰ روز در قم در دست بررسی بوده اما به دلیل این که او با استقبال بسیار سرد مراجع و علما و نیز معتمدین شهر قم روبرو شد، زمان اقامت خامنه ای به ۱۰ روز کاهش یافت. این کارگروه با محوریت دو کمیسیون اصلی و تعداد

زیادی کمیسیون های فرعی کار خود را ماه در تهران، قم و چند مرکز استان در همسایگی استان قم آغاز کرده بودند. یکی از دو کمیسیون اصلی این کارگروه، با دستور جلسه امنیتی - اطلاعاتی و صرف صدها میلیارد تومان از «بیت المال» برای تدارک گسترده مراسم استقبال از کیلومترها خارج شهر قم از منطقه منظره حدود بیست کیلومتری قم و فراخوان گسترده نیروهای بسیج و طلاب برای شرکت در مراسم، ایجاد فضای شدید امنیتی و اطلاعاتی از مدت ها قبل از سفر رهبری و کنترل شدید امنیتی به شکلی که اکثر مسیر طولانی حرکت کاروان خودروهای رهبر و نیز منطقه محل اقامت وی و هیات همراه کاملا باید از قبل بازرسی شود و در یک کلام قم به شکل پادگانی امن برای حضور رهبر درآید. آذین بندی شهر، نصب گسترده بلبوردهای خیرمقدم و خوش آمدگویی، پخش شربت و شیرینی و ذبح شتر، گاو و گوسفند در طول مراسم استقبال و تدارک گسترده برای چندین روز اسکان و اطعام و پرداخت میلیاردها تومان پاداش و مزایا به نیروهای بسیج و طلاب اعزامی از استان های مختلف برای حضور در «مراسم استقبال و دیدارهای مردمی رهبری و...» فعالیت کرده بودند.

کمیسیون دیگر، بیش تر با دستور آماده کردن مقدمات حضور مراجع و علمای مشهور حوزه علمیه قم، ابتدا با اولویت حضور آن ها در مراسم استقبال و در صورت عدم موافقت، در مراسم سخنرانی رهبری در حرم معصومه فعالیت داشت که در غیر این صورت اگر حاضر به حضور در مراسم سخنرانی رهبری نیز نشدند حتما باید در محل اقامت رهبری حضور یابند و با ایشان دیدار کنند.

این کمیسیون، به منظور رسیدن به این هدف با مراجع و بیوت و دفتر آن ها به دفعات گفتگو کرده و از انواع تطمیع و تهدید استفاده کرده است اما به نظر می رسد که اکثریت مراجع عظام و علما حاضر به تمکین در مقابل این دستورات عمل «بیت رهبری» نشدند.

هم زمان با سفرهای خامنه ای به قم، هلوکوپترهای سپاه و نیروی انتظامی، به طور مرتب در فضای شهر به پرواز مشغول بوده و تمام تحرکات را زیر نظر داشتند. اهالی شهر قم در فضایی کاملا امنیتی - پلیسی شاهد سفرهای خامنه ای به شهرشان بودند.

حضور نیروهای امنیتی و لباس شخصی های بسیج در سطح شهر کاملا محسوس بود و تمام مسیرهای اصلی شهر قم تحت کنترل دوربین های مدار بسته قرار گرفته و به مغازه دارها دستور داده بودند که کسب و کار خود را هم زمان با ورود رهبری به قم تعطیل کنند. مدارس از سطوح ابتدایی تا دبیرستان موظف به تعطیلی کلاس ها و شرکت در مراسم استقبال شدند، ائمه مساجد مکلف شدند در روز ورود رهبری بین نماز ظهر و عصر دو رکعت نماز شکر برای سلامتی وی بخوانند و از همه مهم تر این که ماموران امنیتی به سراغ مراجع تقلید رفته و از آن ها خواستند با حضور در حرم معصومه به استقبال خامنه ای بروند.

چنین تدابیر ویژه ای برای سفر رهبر حکومت اسلامی به قم، جامعه را حیرت زده کرده است. آخرین سفر رسمی خامنه ای به قم ده سال پیش، یعنی در سال ۱۳۷۹ صورت گرفت و از آن زمان تاکنون تغییر و تحولات زیادی در سطح مرجعیت و در سطح حوزه های علمیه به وقوع پیوسته است. در این سال ها مراجع و روحانیون غیرحکومتی نقش پررنگ تری ایفاء کرده اند و تحولات مربوط به انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته نیز نقطه اوج اختلافات بین روحانیت حکومتی و روحانیت غیرحکومتی بوده است. این تحولات عموما به انزوای رهبر در میان پاران قدیمی شان منجر شده است.

چندی پیش نیز احمدی نژاد به قم رفت که دست از پا درازتر برگشت. برای مثال، آیت الله مکارم شیرازی در سخنانی که ناظران مصداق آن را محمود احمدی نژاد دانسته اند گفته است: «کسی که علنا دروغ می گوید، به وعده های خود عمل نمی کند و به مردم ظلم روا می دارد، متظاهر به فسق بوده و غیبت او نیز جایز است.» در جریان سفر چندی پیش محمود احمدی نژاد به شهر قم، بسیاری از مراجع از دیدار با وی امتناع کردند و در گزارشات آمده بود که آیت الله صافی گلپایگانی در پاسخ به درخواست محمدی گلپایگانی، رییس دفتر آیت الله خامنه ای برای دیدار با احمدی نژاد گفته است که: «دیدار با احمدی نژاد به لحاظ شرعی حرام است.»

باین ترتیب، یکی دیگر از اهداف خامنه ای به قم می تواند ترغیب کردن مراجع برای حمایت از دولت احمدی نژاد باشد.

نهایتا یکی از اهداف دیگر خامنه ای در سفر به قم، راه انداختن تجمعی به عنوان «استقبال خودجوش» مردم از رهبر بود که در یک سال گذشته در راه پیمایی های میلیونی، رسوا شده بود. احتمالا آن چه که برای خامنه ای در این سفرهایش به قم مهم است، این مساله است که آخوندهای قم، دست کم علیه او موضع گیری نکنند و سکوت آن ها تعبیر به عدم رضایت شود. طبیعتا ملاقات ها و گفتگوهای خصوصی می تواند در این موضوع نقش داشته باشد که اگر مراجع تقلید قم، اعتراض یا دلخوری و یا انتقادی دارند، خامنه ای مستقیما به آن ها پاسخ دهد و سیاست های حکومت به ویژه سرکوب های وحشیانه شان را توجیه کند.

عده ای از مردم، در رابطه با سفرهای خامنه ای به این شهر، به طنز می گفتند که او برای «تاجگذاری» به قم آمده است.

سفرهای پی در پی خامنه ای، حاکی از آن است که او در این سفرها، هنوز به اهداف خود نرسیده است.

همه قرائن و شواهد نشان می دهد که بحران، کلیت حکومت اسلامی را فراگرفته است. در حال حاضر قوه قضاییه، مجلس، مجمع تشخیص مصلحت و شورای نگهبان، حتی آن موقعیت های قبلی خود را از دست داده اند و خامنه ای و احمدی نژاد، حرف اول و آخر را می زنند. قدرت نظامیان و امنیتی ها در بیت رهبری و دولت در حال گسترش است. جای این ارگان ها را کارگروه گرفته است که متشکل از چهارده عضو، یعنی محمدحسن ابوترابی فرد، محمدرضا باهنر، محمد دهقانی و احمد توکللی به نمایندگی از مجلس، الهام، عزیزی، میرتاج الدینی و بداعی از دولت، مهرپور، مدنی و افتخار جهرمی، از اساتید دانشگاه با سابقه حقوقی و عضویت در شورای نگهبان، و علیزاده، عباسعلی کدخدایی و جنتی از شورای نگهبان.

پس از هجده جلسه، کدخدایی، سخن گوی شورای نگهبان، و نمایندگان مجلس برداشت خود را از این جلسات عرضه کرده اند. مجلس در یک گزارش بیست صفحه ای در پایگاه اینترنتی مجلس منتشر کرده که عموماً تخلفات قانونی دولت و امتناع از انجام وظایف را لیست می کند: عدم ارسال مصوبات هیات دولت به مجلس، استنکاف از ابلاغ و اجرای مصوبات مجلس، از میان بردن امکان بررسی بودجه با تاخیر در ارسال، ایجاد ابهام در تخصیص بودجه، واردات سوخت بدون مجوز مجلس، استنکاف از وضع آیین نامه اجرایی برای مصوبات مجلس، خودداری از تخصیص بودجه بر اساس مصوبات مجلس و تصمیم گیری در حوزه هایی که فراتر از اختیار دولت است.

بنا به روایت کدخدایی، گروه تشکیل شده در چهار حوزه به محدود کردن اختیارات مجلس پرداخته است: ۱- حوزه هایی که مجلس اصولاً نباید به آن ها وارد شود، مثل نظارت استصوابی شورای نگهبان، شمول اختیارات رهبری، اختیارات مجلس خبرگان، وظایف و اختیارات مجمع تشخیص مصلحت نظام و مواردی که محل بار مالی آن تعیین نشده است، و در صورت ورود و رد شورای نگهبان، مجلس حق ارجاع به مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارد و در صورت ارجاع، مجمع حق بررسی و اظهار نظر ندارد. (برخلاف اصل ۷۱ قانون اساسی)؛ ۲- دادن حق تذکر به مجلس به رییس دولت (برخلاف اصل ۱۱۳ قانون اساسی)؛ ۳- اجازه وضع مقررات و آیین نامه ها به دولت بدون نیاز به بررسی مجلس (برخلاف اصل ۱۲۸ قانون اساسی)، و ۴- محدود کردن کمیسیون های مجلس در بررسی سوال نمایندگان از وزرا. (جام جم، ۲۹ آبان ۱۳۸۹)

در واقع دستاورد این کارگروه، رسمیت و شفافیت یافتن کاهش اختیارات مجلس و گردن کشی قوه مجریه روبرو شده است. در گزارش چهار نماینده مجلس عضو کارگروه حل اختلاف اعلام شد که با توجه به اوامر رهبر حکومت اسلامی در مورد تعامل با دولت و نیز شرایط سیاسی، تاکنون از سئوال و استیضاح رییس جمهور صرف نظر شده است. بنابراین، همه ارگان های حکومت اسلامی موظفند بدون چون و چرا باید گوش به فرمان رهبر و رییس جمهور باشند و هیچ انتقادی از سوی هر کس و هر مقامی پذیرفته نیست و فرد و مقام منتقد به همکاری با «دشمن» توصیف می شود.

تشکیل سمینار شخصی و اختصاصی «الگوی ایرانی- اسلامی پیشرفت» در بارگاه رهبری و بعد از آن تاسیس مرکز تدوین الگوی اسلامی- ایرانی در ریاست جمهوری برای جانشینی این الگو به جای «سند چشم انداز» گامی در جهت محکم کردن پایشان در قدرت و حاکمیت در مقابل رقبای خود، و هم با حمایت و پشتیبانی گروه هایی از ناسیونالیسم ایرانی، شاید بر بحران هایشان غلبه کنند.

رهبر به آن حد از ابتذال و زبونی سیاسی رسیده است که علی لاریجانی رییس مجلس شورای اسلامی، در تازه ترین کنفرانس مطبوعاتی خود، رسماً اعلام می کند از «آقای هاشمی رفسنجانی» انتظار داریم در «حمایت از رهنمودهای رهبر معظم انقلاب» راسخ باشد.

علی لاریجانی، در زمینه اجرای قانون «هدف مندی» گفته است اگر زمینه ها فراهم نشود مشکلاتی ایجاد می آید. او اضافه کرد: «مجلس آزدسازی قیمت ها تا میزان ۲۰ هزار میلیارد تومان را در طول سال تصویب کرده بود ولی فکر می کنم اجرای آن به چارچوب های این قانون باز می گردد. رییس مجلس، هم چنین در پاسخ به سئوال خبرنگار ایسکانیوز که در خصوص نظر کارگروه حل اختلاف مشترک بین مجلس، دولت و شورای نگهبان پرسید، گفت: «آقای کدخدایی صحبتی کرده بود که گویا نظر وی نظر کارگروه بود در حالی که این طور نبوده است و زمانی که بعداً بنده با او صحبت کردم او گفت که صحبت هایش جمع بندی جلسات کارگروه حل اختلاف نظر نبوده است؛ لذا آقای کدخدایی نظر خودش را اعلام کرد که به خودشان مربوط است و مجلس نیز نظر خود را اعلام کرد.

یا این که آیت الله جنتی، گفته است: «رد ولایت فقیه، انکار خداوند است.» این حرف نشانه اوج درماندگی و ضعف روزافزون جنتی و دیگر شعبان بی مخ های خامنه ای برای جلوگیری از هم پاشیدن حکومت جهل و جنایت شان است. همه این تحرکات نشان می دهند که نه تنها رهبر، بلکه کل حکومت به باتلاق افتاده و هر چه هم دست و پا زده می شود بیش تر در اعماق آن فرو می رود.

مهم تر از همه امروزه آیت الله های ریز و درشت فسیل شده حکومتی و غیرحکومتی با ایدئولوژی ارتجاعی اسلامی و سیاست های جانپانه شان، تاثیر بسیار مخرب و منفی در زیست و زندگی اکثریت مردم ایران، به ویژه نیروی جوان کشور دارند. آن ها، انگل های مفت خوری هستند که منابع و ثروت های کشور را در چنگال های خونین خود و اطرافیان و حکومت شان گرفته اند و آن چنان شیفته قدرت و ثروت هستند که به هیچ بنی و بشری که در مقابل آن ها بایستد رحم نمی کنند. کسب و کار دایمی سران و مقامات و مسئولین حکومت اسلامی در سه دهه حاکمیت شان، جز تزویر و ربا، تهدید و ترور، غارت و دزدی، شکنجه و اعدام، شلاق و سنگسار، چیز دیگری نبوده است. اما آن ها نیک می دادند که دیر یا زود بساط خونین آن ها توسط کارگران، زنان، دانش جویان و همه نیروهای آزادی خواه و برابری طلب و عدالت جو برچیده خواهد شد.

بدین ترتیب حکومت اسلامی و سران آن، حتی وجهه شان را در میان طرفداران دیروزی خود نیز از دست داده اند و غیر از نیروهای سرکوبگر و قلیلی از مردم مذهبی و خرافی، حامی و پایگاهی ندارند. این حکومت، تنها با سرکوب های وحشیانه و با اتکا به نیروهای سرکوبگر خودش را سر پا نگه داشته است. سرکوب جنبش کارگری، زنان، دانش جویان، مردم تحت ستم و اعتراضات خودجوش مردمی توسط حکومت، فقط یک دوره کوتاهی کارساز است و در درازمدت کارآرایی خود را از دست می دهد. آن هم در شرایطی که بحران های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی در کشور روزبروز فزونی می گیرد و هر روز بیش از روز قبل، نارضایتی عمومی از حکومت افزایش می یابد؛ در سطح بین المللی نیز در حال انزوا به سر می برد در نتیجه به سرانیشیی سقوط افتاده و شانسی بقا ندارد.